

امنیت حقوق مالکیت و توسعه نیافتگی در ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۸

فاطمه سرخه دهی *

حسین راغفر **

فرشاد مومنی ***

چکیده

هدف این مقاله بررسی وضعیت امنیت حقوق مالکیت در ایران بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۰ و تأثیر آن بر توسعه نیافتگی کشورمان است. در این راستا، متغیرهای حاکمیت قانون، کنترل فساد، بی‌طرفی دادگاه‌ها، استقلال دستگاه قضائی، چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و دسترسی به وام و اعتبارات در دوره یادشده، انتخاب و ارزیابی شده‌اند. فرضیه مقاله این است که وضعیت نامطلوب متغیرهای یادشده در طول دوره بررسی موجب تعرض به امنیت حقوق مالکیت به‌ویژه حقوق مالکیت بخش‌های مولد شده است. ناامنی حقوق مالکیت به رشد بخش‌های نامولد، افزایش رانت‌جویی، عدم رشد ابداع و کارآفرینی و استمرار توسعه نیافتگی در ایران انجامیده است. **واژگان کلیدی:** امنیت، ناامنی، حقوق مالکیت، توازن دوگانه، بخش‌های مولد، توسعه.

Fatemeh_Sorkhedehi@yahoo.com

* دانشجوی دکتری اقتصاد توسعه دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)

H.Raghfar@Alzahra.ac.ir

** دانشیار اقتصاد دانشگاه الزهرا

Farshad.Momeni@gmail.com

*** استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیستم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۶ • شماره مسلسل ۷۶

مقدمه

توسعه اقتصادی و امنیت دو هدف راهبردی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران هستند. امنیت و توسعه بر هم تأثیر فزاینده دارند و یکی از وجوه مهم امنیت، امنیت حقوق مالکیت است. از دیدگاه اقتصاددانان نهادگرای جدید، امنیت حقوق مالکیت از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه محسوب می‌شود. امنیت حقوق مالکیت به این معناست که تا چه حد از شهروندان، دارایی آن‌ها، نتایج کارها و ابتکارات آن‌ها محافظت می‌شود. حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت، زیرساخت اساسی سرمایه‌گذاری به‌ویژه در تحقیقات و فناوری است. امنیت حقوق مالکیت موجب رشد نوآوری و ایجاد دانش فنی شده و انگیزه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری‌های جدید داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد.

تفاوت ساختار حقوق مالکیت، یکی از دلایل اصلی تمایز سطح توسعه در کشورهای مختلف است. شاخص حقوق مالکیت در کشورهای توسعه‌یافته بسیار بالاست و کشورهایی که بالاترین رتبه حقوق مالکیت را دارند، از بالاترین رتبه مربوط به ضریب کیفیت زندگی و تولید ناخالص داخلی سرانه برخوردارند (یوسفی، ۱۳۹۴: ۲۹۷). امنیت حقوق مالکیت موجب افزایش سرمایه‌گذاری، کارایی و بهره‌وری می‌شود و تولید دانش و کارآفرینی با امنیت حقوق مالکیت، رشد سریع‌تری خواهد داشت. دسوتو (۱۳۸۵) معتقد است که تنها راه‌هایی کشورهای فقیر از فقر و استفاده مولد از دارایی‌های خود، امنیت حقوق مالکیت به‌ویژه حفاظت از مالکیت خصوصی است.

موفق نبودن تجربه توسعه در ایران، مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی را اجتناب‌ناپذیر کرده است و عدم توجه کافی به مسئله امنیت حقوق مالکیت در سیاستگذاری‌ها، از موانع مهم توسعه به‌شمار می‌رود. با توجه به اهمیت بالای امنیت حقوق مالکیت در توسعه، ارزیابی وضعیت امنیت حقوق مالکیت در ایران و نسبت آن با توسعه، هدف این مقاله است. این مقاله وضعیت امنیت حقوق مالکیت در دوره‌های مهمی از تاریخ ایران یعنی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۰۴ را بررسی کرده است.

الف. مبانی نظری

در بخش نظری این مقاله، از نظریه «توازن دوگانه» نورث، والیس و وینگاست (۲۰۰۶) و بررسی تأثیر نظام‌های سیاسی و اقتصادی بر یکدیگر استفاده شده است. در این راستا، ابتدا رابطه میان توسعه و امنیت حقوق مالکیت بحث می‌شود و سپس نظریه توازن دوگانه مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

۱. تعریف حقوق مالکیت و ارتباط آن با توسعه

برای حقوق مالکیت تعاریف متعددی در متون اقتصادی ارائه شده است و اجماع و توافق عمومی درباره آن در بین اقتصاددانان وجود ندارد. همچنین، تعاریف ارائه شده توسط اقتصاددانان گاهی اوقات با تعاریف مد نظر حقوق دانان مغایرت دارد (صمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۵). مالکیت از نظر ماهیت حقوقی آن، رابطه‌ای است که به موجب قانون میان انسان و مال ایجاد می‌شود. بر اساس این رابطه، انسان «حق» می‌یابد تا در مالی که مملوک است تصرفات مالکانه داشته باشد، آن را بفروشد، به دیگری ببخشد، مورد استفاده قرار دهد یا حتی اتلاف کند. این حق نیازمند سازوکارهایی است که اعمال آن را برای مالک تضمین و تسهیل نماید. حقوق مالکیت، حق مالک در استفاده از کالا و دارایی برای مصرف و تولید درآمد است که شامل حق انتقال به شخص دیگر در قالب فروش، هدیه یا میراث است. حق مالکیت همچنین به‌طور معمول متضمن حق انعقاد قرارداد با دیگران در قالب اجاره، وثیقه، رهن کالا یا دارایی و یا اعطای اختیار به دیگران برای استفاده از آن است (Besely & Ghatak, 2009).

از دیدگاه اقتصاد نهادی، مفهوم حقوق مالکیت با مسئله کمیابی مرتبط است. از دید کامونز^۱ (۱۹۳۱)، حقوق مالکیت شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که افراد یا جامعه در انجام یا عدم انجام آن آزاد هستند و یا آزادی در تملک یک دارایی است. کامونز برخلاف اقتصاددانان نوکلاسیک، حقوق مالکیت را داده شده و معین فرض نکرده و نشان داده است که حقوق

مالکیت محصول کنش جمعی است. وی مالکیت را شالوده اقتصاد نهادگرایی دانسته و اصطلاحات «اقتصاد نهادگرایی» و «اقتصاد مالکانه»^۱ را به جای هم به کار برده است (Commons, 1931). نورث حقوق مالکیت را حق افراد برای بهره مندی از منافع کار تحت تملک خود یا بهره مندی از منافع کالاها و خدماتی که آن‌ها را تصرف کرده‌اند، تعریف کرده است (نورث، ۱۳۷۷: ۵۶).

۲. توسعه و ارتباط آن با امنیت حقوق مالکیت از دیدگاه نهادگرایی

همان‌گونه که در مقدمه گفته شد، توسعه و امنیت به عنوان دو هدف راهبردی کشورهای در حال توسعه، دارای ارتباط دو سویه با هم هستند. توسعه در سایه امنیت به وجود می‌آید و کشورهای توسعه یافته از امنیت اقتصادی و سیاسی بالاتری برخوردارند. مهم‌ترین رکن امنیت اقتصادی، امنیت حقوق مالکیت است. درباره مفهوم توسعه و شاخص‌های آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. توسعه از دیدگاه نهادی به معنای تغییرات نهادی در جهت دستیابی به دسترسی باز اقتصادی و سیاسی و افزایش فرصت‌ها برای همه مردم است. در این دیدگاه، امنیت حقوق مالکیت، پایین بودن هزینه‌های مبادله و تضمین قراردادهای از شاخص‌های مهم توسعه یافتگی محسوب می‌شوند. امنیت حقوق مالکیت بر کارآفرینی و فناوری، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، انباشت عوامل اقتصادی، پس‌انداز، کاهش رانت جویی، حکمرانی خوب، انباشت سرمایه اجتماعی و افزایش و رشد فعالیت‌های مولد مؤثر است. بنابراین، امنیت حقوق مالکیت مهم‌ترین شاخص و مولفه توسعه است (صمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

چهار شیوه تأثیر ناامنی حقوق مالکیت بر اقتصاد که مانع جدی برای توسعه محسوب می‌شوند، توسط بسلی و گاتاک (۲۰۰۹) مطرح شده که عبارتند از: «۱. افزایش ریسک مصادره اموال و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید؛ ۲. کاهش بهره‌وری؛ ۳. مانع کسب منافع تجارت؛ و ۴. عدم استفاده از دارایی به عنوان وثیقه در تأمین مالی».

ویلیامسون معتقد است برای دستیابی به توسعه باید نهادها تصحیح و شفاف شوند و در این میان، شفافیت حقوق مالکیت مهم‌تر از سایر نهادهاست (Williamson, 1994). دست‌و‌پاچه معتقد است غیبت حقوق مالکیت مطمئن در کشورهای توسعه نیافته مشهود است و فقدان حقوق مالکیت موجب رواج اقتصاد غیررسمی در کشورهای توسعه نیافته شده است (دست‌و‌پاچه، ۱۳۸۹: ۲۸۰). نورث (۱۹۹۰/۱۳۸۵) و (۱۳۷۹/۱۹۸۱) حقوق مالکیت را به‌عنوان منشأ انقلاب‌های اقتصادی اول و دوم دانسته و سطوح متفاوت توسعه در کشورها را به عمل‌کرد متفاوت نظام‌های حقوق مالکیت آن‌ها مرتبط دانسته است. از نظر وی، تصریح بهتر حقوق مالکیت در کشورهای توسعه یافته، هم اختراع و نوآوری و هم نرخ خصوصی‌سازی را افزایش داده است (نورث، ۱۳۷۹: ۹۰-۸۴).

۳. نظریه توزان دوگانه و توسعه

توسعه از دیدگاه نهادی به منزله ایجاد نظام دسترسی باز سیاسی و اقتصادی است. دسترسی محدود و ناامنی حقوق مالکیت، مسئله اصلی کشورهای در حال توسعه است. نظریه «توازن دوگانه»^۱ نورث، والیس و وینگاست (۲۰۰۶) می‌گوید نهادهای سیاسی و اقتصادی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و در کشورهای توسعه نیافته، نظم دسترسی محدود سیاسی از طریق ناامنی حقوق مالکیت به دسترسی محدود اقتصادی منجر خواهد شد. نظریه آن‌ها بر این باور است که در درازمدت، دسترسی باز سیاسی به دسترسی باز اقتصادی منجر می‌شود و برعکس (North et al, 2006: 446). دو گروه کلی از «نظام‌های دسترسی» وجود دارد: نظام‌های دسترسی محدود^۲ و نظام‌های دسترسی باز^۳. نظام دسترسی باز با ایجاد امنیت حقوق مالکیت برای بخش‌های مولد، درآمد مالیاتی و درآمد ملی را حداکثر می‌کند، اما نظم دسترسی محدود با ناامنی حقوق مالکیت، بخش‌های مولد را تضعیف و با توزیع رانت، درآمد فرادستان را حداکثر می‌کند.

1. Dual balance theory
2. limited access orders
3. Open access orders

ویژگی اصلی نظم دسترسی محدود، آمیخته بودن مناسبات سیاسی و اقتصادی و ایجاد محدودیت ورود برای عموم مردم به سیاست و اقتصاد برای ایجاد رانت بیشتر است (North et al, 2006: 10). در نظام‌های دسترسی باز، رقابت سیاسی از دسترسی آزاد در اقتصاد حفاظت می‌کند و رقابت اقتصادی به دسترسی باز در عرصه سیاسی تداوم می‌بخشد (North et al, 2009: 518).

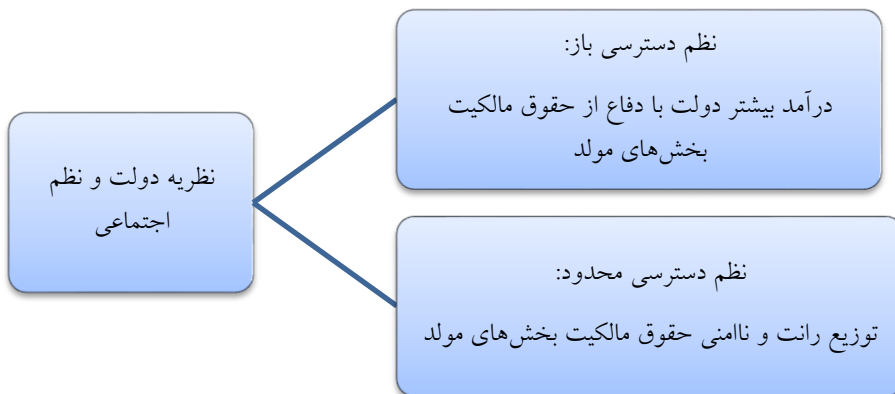
رانت، عنصر کلیدی در نظریه توزان دوگانه است. در نظم دسترسی باز، رانت‌ها ناپایدار و شومپتری^۱ است و به کارآفرینان اعطا می‌شود و زمینه پیشرفت فناوری و رشد بخش‌های مولد را فراهم می‌کند؛ مانند یارانه به فعالیت‌های تولیدی و صنعتی و مالیات بر سفته‌بازی زمین. در نظم دسترسی محدود، رانت‌ها پایدار و نامولد هستند و رقابت را برای بخش‌های مولد ناعادلانه کرده و مانع ابداع و نوآوری هستند. محدودیت ورود، روابط شخصی میان فرادستان و کنترل خشونت از طریق اعطای رانت، ویژگی‌های نظم دسترسی محدود هستند. در نظام دسترسی باز، رقابت عادلانه میان همه گروه‌ها موجب ارتقای بهره‌وری و تقویت بخش‌های مولد می‌شود. نورث می‌گوید: «گروه‌های قدرتمند از امتیازات ارزشمندی همچون حقوق اختصاصی برای تجارت و انحصار داشتن بازار در یک منطقه یا انحصار در واردات اقلام پر تقاضا رانت‌هایی دریافت می‌کنند که افراد فاقد این قدرت، از آن محرومند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۴).

هرگاه رانت‌جویی به نتایجی بینجامد که وضعیت جامعه را بدتر از پیش کند، رانت «مستقیماً نامولد»^۲ ایجاد کرده است. در ادامه با استفاده از نظریه توزان دوگانه، امنیت حقوق مالکیت بررسی می‌شود.

۱. رانت شومپتری نوعی رانت مفید است، زیرا طبق نظر شومپتر، علاوه بر اینکه باعث ایجاد رشد اقتصادی می‌شود، زیان‌های اجتماعی را هم جبران می‌کند. رانت شومپتری بر اساس کارایی و اثربخشی و نوآوری‌های فناورانه افراد موجب دستیابی به ثروت می‌شود. این نوع رانت موجب بازی اقتصادی برد-برد شده و باعث می‌شود تمام افرادی که در فرآیند خلق ارزش افزوده مشارکت دارند، به شکل مدنی و قانونی سهم متناسب با تلاش‌های خود دریافت کنند؛ مانند دادن یارانه به تولیدکننده صنعتی و دریافت مالیات از فعالیت‌های نامولد و دلالی.

2. Directly Unproductive

نمودار ۱. نظریه دولت و حقوق مالکیت



منبع: نورث، ۱۳۷۹؛ نورث و همکاران، ۱۳۹۵؛ نورث و همکاران، ۲۰۰۹.

۴. متغیرهای مؤثر بر امنیت حقوق مالکیت بر اساس نظریه «توازن دوگانه»

شاخص حقوق مالکیت که از سال ۲۰۰۷ بررسی می‌شود، مجموعه‌ای از متغیرها را شامل می‌شود؛ از جمله محیط حقوقی و سیاسی شامل متغیرهای اعتماد به دادگاه‌ها، ثبات سیاسی و کنترل فساد؛ حقوق مالکیت فیزیکی شامل متغیرهای دسترسی به وام و اعتبارات، ثبت مالکیت و حفاظت از حقوق مالکیت فیزیکی؛ و حقوق مالکیت فکری شامل متغیرهای حفاظت از حقوق مالکیت فکری و کپی رایت. چون این مقاله از دیدگاه نظریه توازن دوگانه نورث به بررسی امنیت حقوق مالکیت پرداخته است، از میان متغیرهای شاخص حقوق مالکیت، متغیرهای سیاسی و اقتصادی را انتخاب کرده است. از متغیرهای سیاسی «استقلال دستگاه قضایی» و «اعتماد به دادگاه‌ها»، «کنترل فساد» و «حاکمیت قانون» از شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت^۱ انتخاب شده و از متغیرهای اقتصادی «دسترسی به وام و اعتبارات» از شاخص حقوق مالکیت و نیز متغیر «چشم‌انداز سرمایه‌گذاری» از مؤسسه PRS انتخاب شده است.

1. IPRI

چون این شاخص‌ها در دوره پس از انقلاب از طریق بانک جهانی و موسسات نهادی محاسبه شده‌اند، در دوره مذکور از این شاخص‌ها استفاده شده است و برای دوره قبل از انقلاب، به دلیل عدم محاسبه این شاخص‌ها، واقعیت‌های^۱ تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. **شاخص استقلال دستگاه قضایی** درجه مصونیت قوه قضائیه از نفوذ و فشار گروه‌های سیاسی و اقتصادی را بررسی می‌کند. استقلال قوه قضائیه، رکن اصلی برای حمایت مؤثر از مالکیت خصوصی است. نظام قضایی کارآمد از دو طریق بر کارآفرینی تأثیر می‌گذارد: ۱. به سرعت موارد تخطی از قانون را مجازات می‌کند و اعتماد کارآفرینان را بهبود می‌بخشد؛ و ۲. موجب تضمین قراردادها می‌شود (Chemin, 2002: 14). **حاکمیت قانون**^۲ میزان اعتماد کارگزاران اقتصادی به قوانین جامعه و اطاعت از آن‌ها را اندازه می‌گیرد. حاکمیت قانون به‌ویژه برای فرادستان از شروط مهم گذار به دسترسی باز است و تکمیل‌کننده استقلال قضایی است. **کنترل فساد**^۳ دامنه استفاده از ظرفیت‌های بخش عمومی به منظور دستیابی به منافع خصوصی را اندازه‌گیری می‌کند. در این متغیر، انواع فساد خرده‌پاها و دانه درشت‌ها و همچنین «تسخیر» دولت توسط فرادستان و گروه‌های خصوصی وجود دارد (World Bank Institutes, 2009).

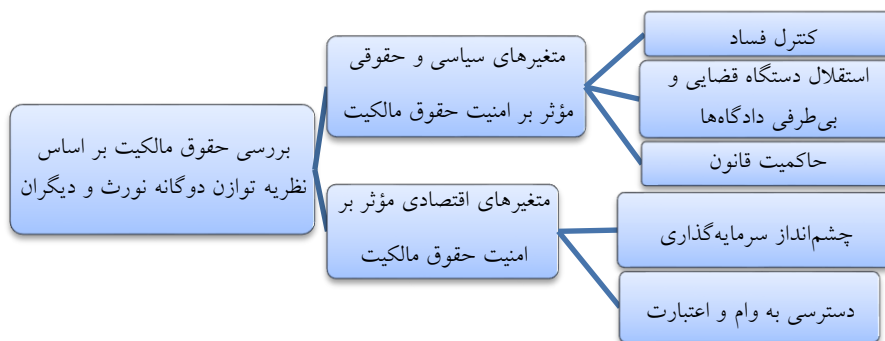
امنیت چشم‌انداز سرمایه‌گذاری به امنیت مالکیت خصوصی و پیش‌بینی‌پذیری و ثبات اقتصاد کلان بستگی دارد. محیط اقتصاد کلان بر ۵ شاخص نرخ ارز، نرخ تورم، نرخ بهره، وضعیت مالی دولت و وضعیت تراز پرداخت‌ها تأکید می‌کند. بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب کاهش پیش‌بینی‌پذیری شده و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری را ناامن می‌کند. محیط امن اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با محیط باثبات اقتصاد کلان دارد. محیط بی‌ثبات اقتصاد کلان موجب ناامنی حقوق مالکیت و در نتیجه، رونق فعالیت‌های نامولد، سفته‌بازی، نزول‌خواری و خدمات می‌شود. این فعالیت‌ها بدون اینکه اثر مثبتی بر تولید داشته باشند، سرمایه‌گذاری را از بخش‌های مولد به سمت خود جذب می‌کنند و مانع مهمی در راه توسعه هستند. امنیت و رونق سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد حاکی از امنیت حقوق مالکیت و میزان توسعه‌یافتگی است.

1. Facts
2. Rul of law
3. control of corruption

فعالیت‌های نامولد^۱ به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که اگر از اقتصاد حذف شوند، نه تنها به فرآیند رشد و توسعه اقتصادی صدمه نمی‌زنند، بلکه حتماً وضعیت را بهتر می‌کنند. نامولدها به تولید ناخالص داخلی واقعی چیزی اضافه نمی‌کنند (شاگری، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

از نشانه‌های نظم دسترسی باز و امنیت حقوق مالکیت، رشد فعالیت‌های مولد است. به‌طور کلی، بخش صنعت و کشاورزی را می‌توان دو بخش مولد مهم در ایران دانست و بخش خدمات به دلیل سهم بالای بازرگانی و مستغلات، در زمره بخش‌های نامولد است.

نمودار ۲. متغیرهای مؤثر بر امنیت حقوق مالکیت



Source: International Property Rights Index

ب. ارزیابی تاریخی وضعیت امنیت حقوق مالکیت در ایران

از دیدگاه نهادگرایی جدید، نهادها دارای پایه اطلاعاتی تاریخی و وابستگی به مسیر هستند. عمل‌کرد گذشته بر عمل‌کرد حال مؤثر است و بدون مطالعه گذشته، قادر به درک عمل‌کرد

۱. می‌توان بخش‌های نامولد در اقتصاد ایران را شامل این موارد دانست: واردات انحصاری، سوداگری زمین و مسکن، واسطه‌گری چندلایه با بازدهی بسیار بالا، بانک‌های خصوصی و مؤسسات اعتباری، تولیدکنندگانی که از اعتبارات و حقوق تولیدکننده استفاده می‌کنند اما مونتاژکار هستند، واردات و صادرات که مزاحم تولید باشد، خام‌فروشی، عواملی که نقش مستقیم در تولید ندارند؛ مانند پاساژها و مغازه‌ها و برخی از سرمایه‌گذاری‌های انسانی مانند تحصیلات تکمیلی بی‌کیفیت (شاگری، ۱۳۹۵: ۱۹۵-۱۹۱).

کنونی و ارائه مدل برای اکنون نخواهیم بود. به همین دلیل، نخست مختصری از وضعیت تاریخی امنیت حقوق مالکیت در دوره پهلوی ارائه می‌شود.

۱. ارزیابی وضعیت امنیت حقوق مالکیت در دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴)

مبتنی بر نظم اجتماعی، دو نظام اقتصادی و سیاسی نمی‌توانند در بلندمدت متفاوت از یکدیگر باشند. در صورتی که سطح دسترسی به یکی از این سیستم‌ها افزایش یابد و دیگری متناسب با آن تغییر نکند، شکاف توازن دوگانه شکل می‌گیرد. تجربه توسعه ایران در دوره پهلوی مبتنی بر توازن دوگانه سیاسی و اقتصادی است که با به قدرت رسیدن رضاشاه حاصل شده است. ایجاد سازمان‌های وابسته به دولت، موجب گسترش زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی کشور شد، اما در نظام سیاسی نه تنها ارتقا حاصل نشد، بلکه دستاوردهای انقلاب مشروطه در این حوزه به شدت تهدید شد. عدم شکل‌گیری نهادهای حقوق خصوصی و عدم حفاظت از حقوق مالکیت، بسته‌شدن فضای سیاسی و قائم به شخص شدن سیاست‌گذاری‌ها (دخالت شاه در بیشتر سیاست‌گذاری‌ها) عدم توازن سیاسی و اقتصادی را تشدید کرد. مشخصه بارز این توازن، ناامنی حقوق مالکیت بود که در ادامه به طور خلاصه مولفه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وضعیت حاکمیت قانون: در این دوره، نهادهای حاکمیت قانون میراث مشروطه، مانند مجلس و عدلیه، ناکارا بوده و نظم دسترسی محدود را تقویت می‌کردند. مجلس در دوره پهلوی از دوره پنجم به بعد جایگاه نمایندگانی بود که با تقلب وارد می‌شدند تا به امیال شاه لباس قانونی بپوشانند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۶۸). نمایندگان در این دوره آزاد نبوده و انتخابات و نحوه برگزاری آن آزاد نبود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۲۶). از دیگر مصادیق فقدان حاکمیت قانون در این دوره، هزار فامیل و روابط خانوادگی در اقتصاد و سیاست است (عظیمی، ۱۳۹۰: ۴۶۵) که حاکی از گردش محدود نخبگان، حاکمیت بسیار ضعیف قانون و وجود روابط شخصی میان فرادستان است.

مصادره و ناامنی مالکیت خصوصی: یکی از موارد ناامنی حقوق مالکیت در دوره پهلوی، مصادره و ناامنی مالکیت خصوصی است که بسیاری از منابع از جمله فوران (۱۳۸۷)،

آبراهامیان (۱۳۷۷)، کاتوزیان (۱۳۸۴) و منابع دیگر به آن پرداخته‌اند. مهم‌ترین آسیب به مالکیت خصوصی در این دوره زمین‌خواری، مصادره و غصب املاک توسط رضاخان پس از تأسیس ثبت اسناد و بعد از رسیدن به پادشاهی است.^۱ مطالعه اسناد نشان می‌دهد که طی دوران حکومت رضاخان ۴۴ هزار سند به نام وی انتقال یافت و او ۲۱۶۷ روستا را غصب کرد (الوانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹).

کنترل فساد: کنترل فساد به‌عنوان یک شاخص تأمین امنیت حقوق مالکیت در دوره پهلوی ضعیف بود و اکثر منابع داخلی و خارجی مربوط به بررسی این دوره، فساد بدون کنترل دربار را یکی از عوامل شکست پهلوی می‌دانند.^۲ میلانی می‌گوید: «در بخش عمده دهه ۴۰ و ۵۰ اداره سوم ساواک که مسئول امنیت داخلی بود، مسئله فساد مالی نخبگان را یک مسئله امنیت ملی می‌دانست. شاه در مقابل گزارش‌های ساواک در این باره، برمی‌آشفت و اداره سوم را به فضولی در مسائلی که در حیطه مسئولیتش نبود متهم می‌کرد» (میلانی، ۱۳۹۲: ۶۸). فردوست در خاطرات خود به ارجاع ۳۷۵۰ پرونده سوءاستفاده کلان از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به دادگستری اشاره می‌کند که بدون هیچ پیشرفتی طبق دستور نخست‌وزیر بایگانی شدند (شهبازی، ۱۳۸۴: ۲۶۷).

وضعیت استقلال دستگاه قضایی: در دوره رضاشاه نوسازی و جهان‌پسند کردن دادگستری انجام شد (اعظام قدسی، ۱۳۴۹)؛ از جمله تصویب قانون مدنی مشتمل بر ۹۵۵ ماده در مورد مالکیت و حقوق قراردادها در سال ۱۳۰۷ و نوسازی دستگاه قضایی (صدر، ۱۳۶۴: ۲۸۸) تا این نهاد نیز در ظاهر مانند کشورهای مدرن باشد. درحالی‌که منظور از تشکیل دستگاه قضایی، اولاً: کاهش ظلم و تعدی تا حد ممکن و ثانیاً: ایجاد لوازم دادخواهی در صورت وقوع هرگونه ستم است تا سطح دسترسی‌ها افزایش یابد، در دوره پهلوی، حیاتی‌ترین حقوق و

۱. رضاشاه در زمین‌خواری شهره خاص و عام بود. زمین‌داران از روی ترس یا اکراه، بخشی از املاک خود را به او «پیشکش» می‌دادند. تقریباً همه زمین‌های استان مازندران (زادگاه رضاشاه) و بخش‌های وسیعی از گیلان و گرگان، که مرکز تولید برنج ایران بود، به مالکیت خصوصی او درآمد؛ یعنی ۲۰۰ روستا با جمعیتی متجاوز از ۳۳۵۰۰ نفر در مالکیت او قرار گرفت (فوران، ۱۳۸۷: ۳۳۷).

۲. در این باره می‌توان به کدی (۱۳۶۹)، آبراهامیان (۱۳۷۷)، فوران (۱۳۷۸)، کاتوزیان (۱۳۸۴)، هامبلی (۱۳۸۸) و میلانی (۱۳۹۲) اشاره کرد.

آزادی‌های ملت به راحتی سلب می‌شد. دستگاه قضایی رسیدگی اندکی در مورد فساد داشت و به مصادره و غصب غیرقانونی اموال توسط فرادستان رسیدگی نمی‌کرد. به بیان کاتوزیان «عدلیه مهم‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه و آخرین سنگر آن بود که تضعیف و سرانجام تسلیم شد» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۶۸). وابستگی دستگاه قضایی به نظام سیاسی و کارایی اندک آن موجب کاهش اعتماد بخش خصوصی به دولت شد.

وقتی مردم به دولت بی‌اعتماد شوند، به سازوکارهای توافق غیررسمی روی می‌آورند و به دلیل پایین بودن ضمانت اجرا در این سازوکارها، امنیت حقوق مالکیت و امنیت سرمایه‌گذاری به شدت کاهش می‌یابد. در مجموع، عدم پایداری دولت به حاکمیت قانون، کنترل ضعیف فساد، دستگاه قضایی وابسته به نظام سیاسی و مصادره در دوره پهلوی، امنیت حقوق مالکیت را به شدت آسیب‌پذیر کرد.

چشم‌انداز سرمایه‌گذاری: در دوره پهلوی، رشد اقتصادی به مدد افزایش تعداد کارخانه‌های صنعتی ایجاد شد، اما این رشد به توسعه اقتصادی و ابداع و نوآوری منتهی نشد. صنایع عمدتاً مونتاژ، وابسته به واردات و درآمدهای نفتی بودند. عمده سرمایه‌گذاری‌ها توسط دولت یا وابستگان به دربار صورت می‌گرفت و بخش خصوصی مستقل بیشتر در تجارت سرمایه‌گذاری می‌کرد که امنیت بیشتری داشت (کدی، ۱۳۶۹: ۱۶۹). به گزارش هالیدی و آبراهامیان، تنها ۴۵ خانواده ۸۵ درصد شرکت‌ها را در کنترل داشتند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۳۲). دسترسی محدود سیاسی به همراه بی‌ثباتی اقتصادی در نتیجه شوک نفتی سال ۱۳۵۲ به افزایش ناامنی سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت انجامید. عوامل یادشده همراه با بهم‌ریختگی‌های سیاسی دهه ۵۰ به کاهش سرمایه‌گذاری انجامید.

ثبات و پیش‌بینی‌پذیری محیط اقتصاد کلان: در دهه ۱۳۵۰ و هم‌زمان با شوک نفتی ۱۳۵۲ بی‌ثباتی اقتصادی به دلیل افزایش تورم، رشد کسری بودجه، بی‌انضباطی مالی دولت و رشد سریع واردات افزایش یافت و همراه با بی‌ثباتی‌های سیاسی، فضای سرمایه‌گذاری را ناامن کرد؛ به‌نحوی که از اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ انتقال سرمایه به خارج آغاز شد و در سال ۱۳۵۶ به اوج خود رسید. در واقع، بی‌ثباتی اقتصاد کلان که با شوک نفتی سال ۱۳۵۲ اوج گرفت،

عامل مهم دیگری برای آسیب به امنیت حقوق مالکیت و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد توسط بخش خصوصی واقعی بود.

تورم در دهه ۱۳۵۰ شمسی رو به افزایش نهاد و در دوره رونق نفتی به اوج خود رسید. در بازه ۱۹ ساله ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶ نرخ تورم تقریباً ۱۹۰ درصد شد. از سال ۱۳۵۲ تورم نقش مهمی در بی‌ثباتی اقتصادی، ایجاد نااطمینانی نسبت به آینده و افزایش سرمایه‌گذاری در ساختمان و مستغلات و در نتیجه، ناامنی حقوق مالکیت داشت.

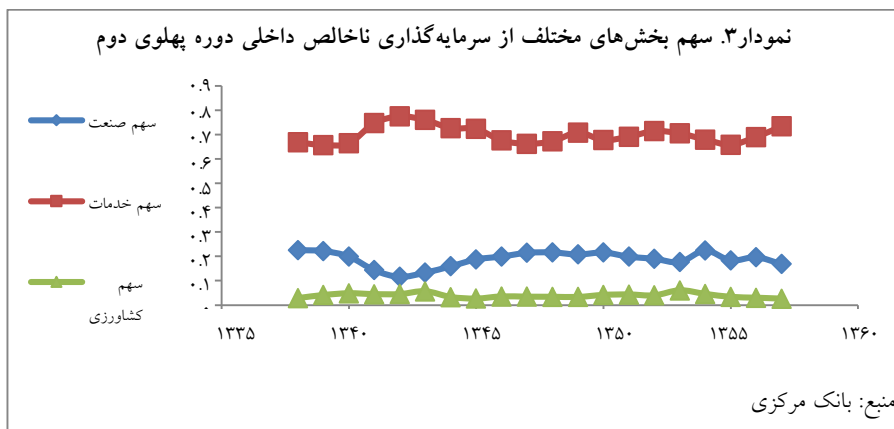
تقریباً در تمام سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ دولت کسری بودجه داشت و با رونق درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۲ کسری شدت گرفت. استمرار کسری بودجه و تأمین از طریق نظام بانکی به‌خصوص بعد از شوک نفتی، به افزایش تورم و بی‌ثباتی اقتصادی انجامید و تخصیص اعتبارات بانکی به بخش خصوصی را کاهش داد. به این ترتیب، کسری بودجه مزمن و اختصاص بخش عظیمی از بودجه به هزینه‌های جاری و مخارج دربار، عامل مهمی برای بی‌ثباتی اقتصادی، عدم حمایت از بخش خصوصی و ناامنی سرمایه‌گذاری به حساب می‌آمد.

به استثنای دولت مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۰) ترازپرداخت‌ها در دوره پهلوی عموماً منفی بود. در دوره رونق درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۲ به سبب افزایش واردات کالاهای مصرفی و غیرضروری، کسری ترازپرداخت‌ها اوج گرفت و سیاست درهای باز، امنیت تولید و سرمایه‌گذاری را کاهش داد. ترازپرداخت‌های همواره منفی حاکی از این بود که کشور همواره بیش از تولید مصرف می‌کرد؛ که به معنای تهدید امنیت اقتصادی، امنیت مالکیت سرمایه‌های موجود در تولید و در نتیجه، تشدید ناامنی حقوق مالکیت بود.

در مجموع، در دوره پهلوی در مقاطعی رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری صورت گرفت؛ که مانند همه نظام‌های دسترسی محدود، حاصل ابداع و نوآوری و امنیت حقوق مالکیت نبود. رشد مقطعی این دوره بیشتر حاصل سرمایه‌گذاری دولتی، رشد درآمدهای نفتی و ظهور طبقه جدیدی از سرمایه‌داران برخوردار از رانت‌های ناشی از ارتباط با قدرت بود. از سال ۱۳۵۲ و هم‌زمان با شوک نفتی، محیط اقتصاد کلان به سمت بی‌ثباتی رفت. تورم، کسری بودجه و کسری ترازپرداخت‌های مزمن که در دهه ۵۰ افزایش یافت با اوج‌گیری اعتراضات

سیاسی شدت گرفت و موجب بی‌ثباتی اقتصاد و کاهش سرمایه‌گذاری شد. ناامنی سرمایه‌گذاری حاکی از ناامنی حقوق مالکیت به‌خصوص در دهه ۱۳۵۰ است.

ناامنی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و رونق فعالیت‌های نامولد: همراه با بی‌ثباتی اقتصادی «به تدریج زمین‌بازی و سرمایه‌گذاری در ساختمان به سودآورترین شیوه پول‌سازی از محل مازاد نقدینگی بدل شد. رونق خرید و فروش مسکن و زمین و فعالیت‌های دلالتی بیش از هر سرمایه‌گذاری مولد دیگر بود» (کاتوزیان، ۱۳۸۴). طبق نمودار ۳، در این دوره سهم بخش‌های مولد در سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی اندک و سهم خدمات بیش از سایر بخش‌ها بود. یکی از دلایل عمده ناامنی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و پایین‌بودن سهم آن‌ها در سرمایه‌گذاری، ناامنی حقوق مالکیت بود. بخش‌های نامولد و زود بازده که قابلیت سریع‌تر تبدیل به نقدینگی را داشته و از امنیت بیشتر در مقابل تعرض و مصادره برخوردار هستند، همواره سهم بیشتری در اقتصاد داشتند.



دسترسی به وام و اعتبارات: در این دوره، دسترسی به وام و اعتبارات محدود بود. برای نمونه، بانک توسعه صنعتی و معدنی در بازه زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۱ حدود ۵۵ درصد کل سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی را انجام می‌داد؛ که بیش از ۲۵ درصد از وام‌های این بانک به شرکت‌هایی اعطا شد که بخشی یا کل آن متعلق به اعضای هیئت مدیره بانک بوده است. در

میان صنایع بزرگ (بیش از ده نفر) که از بانک توسعه صنایع و معادن وام گرفته‌اند ۹۵ کارخانه با نیروی کار ۵۰۰ نفر یا بیشتر، حدود ۹۰ درصد وام‌ها را دریافت کرده بودند (کارشناس، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

در مجموع، مولفه‌های امنیت حقوق مالکیت منتخب شامل کنترل فساد، حاکمیت قانون، استقلال دستگاه قضایی، چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و دسترسی به اعتبارات، حکایت از ناامنی حقوق مالکیت و نظم دسترسی محدود در دوره پهلوی دارد.

۲. بررسی وضعیت حقوق مالکیت بعد از انقلاب (۱۳۹۰-۱۳۵۷)

ایران به لحاظ تاریخی دارای نظم دسترسی محدود شکننده و ناامنی حقوق مالکیت بوده است. وابستگی به مسیر تاریخی موجب مقیدشدن عمل‌کرد کنونی به گذشته شده، زیرا پس از شکل‌گیری مسیر و گذشت زمان طولانی، به سختی می‌توان مسیری را که در آن «گرفتار شده‌ایم» عوض کرد (گروینوگن، ۲۰۱۰: ۲۳۴). برای دستیابی به توسعه، حذف نهادهای ناکارا لازم است؛ اما تغییرات انقلابی به اندازه کافی برای حذف نهادهای ناکارا مفید نیستند. برای ارزیابی پارامترهای بعد از انقلاب، داده‌ها و آمارهای بین‌المللی برای وضعیت حاکمیت قانون، کنترل فساد و استقلال دستگاه قضایی استفاده شده است.

۲-۱. وضعیت متغیرهای سیاسی و حقوقی

شاخص حاکمیت قانون: برای شاخص حاکمیت قانون از داده‌های «شاخص حکمرانی جهانی»^۱ بانک جهانی استفاده شده است که هر ساله این شاخص را برای کشورهای جهان اندازه می‌گیرد و دامنه آن بین ۲/۵- و ۲/۵ است. عدد ۲/۵ به معنای حاکمیت قوی قانون است. داده‌های جدول شماره یک حاکی از پایین بودن رتبه حاکمیت قانون در دوره پس از انقلاب است، که زمینه‌ساز فساد و ناامنی حقوق مالکیت به‌ویژه برای بخش‌های مولد است. پایین‌بودن حاکمیت قانون، رقابت اقتصادی را کاهش داده و رانت‌جویی را که از ویژگی‌های نظام‌های دسترسی محدود

1. Worldwide Governance Indicator (WGI).

است، افزایش داده است. حاکمیت ضعیف قانون، میزان تضمین و حمایت از حقوق مالکیت در برابر تعدی دولت و افراد برخوردار از روابط رانتی را تحت تأثیر قرار داده است. حاکمیت ضعیف قانون موجب شده است که پیش‌بینی‌پذیری کاهش یافته و هزینه‌های مبادله و ریسک سرمایه‌گذاری افزایش یابد و به حقوق مالکیت بخش‌های مولد و کارآفرین آسیب‌های جدی وارد شود.

مصادره و امنیت مالکیت خصوصی: مالکیت خصوصی و صیانت از آن جزء لاینفک حاکمیت قانون و امنیت حقوق مالکیت است که مصادره، آشکارترین شیوه نقض مالکیت خصوصی محسوب می‌شود. پس از انقلاب، اموال برخی از صاحبان صنایع مصادره شد. البته در رابطه با مصادره پس از انقلاب دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه نخست، مصادره‌ها را با شیوه تاریخی مصادره در ایران مقایسه کرده و آن را موجب ناامنی سرمایه‌گذاری پس از پیروزی انقلاب دانسته‌اند (بهداد و نعمانی، ۱۳۹۳؛ سعیدی و شیرین‌کام، ۱۳۹۵).^۱ دیدگاه دوم معتقد است مصادره‌های پس از انقلاب، اولین مصادره مبتنی بر قانون در تاریخ ایران بوده و در شرایط ناشی از انقلاب، ناگزیر بوده است (عظیمی، ۱۳۹۴).

شاخص کنترل فساد: شاخص کنترل فساد «شاخص حکمرانی جهانی» بانک جهانی دامنه بین ۲/۵- تا ۲/۵ دارد. همان‌طور که جدول شماره یک ملاحظه می‌شود، شاخص کنترل فساد نامطلوب است. در دوره ۱۳۸۰ (۲۰۰۱ میلادی) تا ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) بهبود نسبی یافته و پس از آن دوباره کاهش یافته است. جدول یک نشان می‌دهد که شاخص کنترل فساد در ایران نسبت به کشورهای پیشرفته و دسترسی باز در چه وضعیتی قرار دارد. کشورهای سوئیس و سوئد بهترین وضعیت کنترل فساد و حقوق مالکیت را دارند و کشورهای صنعتی و پیشرفته مانند ژاپن و آلمان و آمریکا نیز در این زمینه جایگاه بالایی دارند. فساد یکی از مهم‌ترین عواملی است که انگیزه ورود بخش خصوصی واقعی به فعالیت‌های اقتصادی مولد را کاهش می‌دهد. فساد، هزینه‌های مبادله را افزایش داده و رقابت را برای بخش‌های مولد، ناعادلانه می‌سازد و یکی از عوامل مهم ناامنی حقوق مالکیت است.

۱. سعیدی و شیرین‌کام (۱۳۹۵) و بهداد و نعمانی (۱۳۹۳) در زمره دیدگاه اول قرار دارند و عظیمی (۱۳۹۴) را می‌توان در زمره دیدگاه دوم برشمرد.

جدول ۱. مقایسه وضعیت مبارزه با فساد و حاکمیت قانون ایران با چند کشور دیگر

سال	شاخص حاکمیت قانون ایران	شاخص کنترل فساد ایران	شاخص کنترل فساد آلمان	شاخص کنترل فساد سوئیس	شاخص کنترل فساد آمریکا	شاخص کنترل فساد سوئد	شاخص کنترل فساد فرانسه
۱۹۹۶	-۰,۸۵	-۰,۵۶	۱,۹۹	۲,۰۱	۱,۵۷	۲,۳۱	۱,۲۶
۱۹۹۸	-۰,۶۱	-۱,۰۸	۲,۱۶	۲,۲۳	۲,۱۶	۲,۳۳	۱,۴۰
۲۰۰۰	-۰,۴۲	-۰,۸۹	۱,۹۰	۲,۲۱	۱,۹۰	۲,۴۰	۱,۳۶
۲۰۰۲	-۰,۷۲	-۱,۱۳	۲,۰۱	۲,۱۷	۲,۰۱	۲,۳۰	۱,۲۴
۲۰۰۳	-۰,۶۱	-۰,۹۶	۱,۹۴	۲,۰۹	۱,۹۴	۲,۲۳	۱,۳۴
۲۰۰۴	-۰,۶۳	-۰,۸۹	۱,۸۶	۲,۰۴	۱,۸۶	۲,۲۰	۱,۳۴
۲۰۰۵	-۰,۷۷	-۰,۸۵	۱,۸۶	۲,۰۲	۱,۸۶	۲,۰۱	۱,۳۵
۲۰۰۶	-۰,۹۰	-۰,۸۱	۱,۷۹	۲,۱۳	۱,۷۹	۲,۲۱	۱,۴۶
۲۰۰۷	-۰,۹۳	-۰,۵۸	۱,۷۰	۲,۱۹	۱,۷۰	۲,۲۵	۱,۴۴
۲۰۰۸	-۰,۸۷	-۰,۵۶	۱,۷۳	۲,۱۷	۱,۷۳	۲,۲۳	۱,۳۸
۲۰۰۹	-۰,۹۴	-۰,۸۲	۱,۷۲	۲,۰۹	۱,۷۲	۲,۲۹	۱,۴۲
۲۰۱۰	-۰,۹۸	-۰,۷۴	۱,۷۴	۲,۱۰	۱,۷۴	۲,۳۲	۱,۴۴
۲۰۱۱	-۰,۹۴	-۰,۶۸	۱,۷۱	۲,۰۵	۱,۷۱	۲,۲۲	۱,۵۲
۲۰۱۲	-۰,۸۹	-۰,۹۶	۱,۷۹	۲,۱۷	۱,۷۹	۲,۳۲	۱,۴۳

منبع: بانک جهانی

شاخص استقلال دستگاه قضایی و اعتماد به دادگاهها: برای شاخص استقلال دستگاه

قضایی و بی طرفی دادگاهها از داده‌های «مؤسسه فریزر» استفاده شده، که عددی بین ۱ تا ۱۰ است و رتبه ۱۰ به معنای بی طرفی کامل دادگاههاست. داده‌های جدول ۲ حاکی از پایین بودن رتبه استقلال دستگاه قضایی و بی طرفی دادگاههای ایران است. مؤسسه فریزر ویژگی کشورهای دارای رتبه پایین را اینگونه معرفی می‌کند: «دارای فساد، تأخیر در مبارزه با فساد، عدم حمایت از قراردادهای وابستگی به نظام سیاسی».

جدول ۲. شاخص بی‌طرفی دادگاه‌ها و حقوق مالکیت در ایران

سال	بی‌طرفی دادگاه‌ها	نظام قضایی و حقوق مالکیت
۱۹۹۵	۴٫۹	۵٫۶
۲۰۰۰	۴٫۹	۵٫۹
۲۰۰۱	۴٫۹	۵٫۹
۲۰۰۲	۴٫۹	۵٫۹
۲۰۰۳	۴٫۱	۵٫۹
۲۰۰۴	۴٫۱	۵٫۹
۲۰۰۵	۴٫۲	۵٫۹
۲۰۰۷	۴٫۱	۶٫۱
۲۰۰۸	۴٫۲	۶٫۱
۲۰۰۹	۳٫۶	۵٫۸
۲۰۱۰	۳٫۸	۵٫۸
۲۰۱۱	۴٫۹	۵٫۸

Source: Frazer Institute, "Economic Freedom of the World"

پایین بودن حاکمیت قانون، ضعف در کنترل فساد و استقلال ناکافی دستگاه قضایی موجب شده است تا هزینه‌های مبادله افزایش یابد و اعتماد به دادگاه‌ها برای حل و فصل دعاوی حقوقی کم باشد. در این حالت، رونق سازوکارهای غیررسمی در قراردادهای موجب عدم تضمین کافی و ناامنی حقوق مالکیت برای صاحبان سرمایه و تولید شده است. ساختار قضایی یکی از مؤلفه‌های مهم ایجاد امنیت حقوق مالکیت است. ساختار قضایی به‌عنوان مدافع امنیت حقوق مالکیت، به این نکته می‌پردازد که تا چه حد شهروندان، دارایی آن‌ها و نتایج کارها و ابتکارات آن‌ها محافظت می‌شود. ساختار قضایی کارا و مستقل موجب اطمینان مالکان می‌شود که در آینده دور یا نزدیک به سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌هایشان خواهند رسید و از این طریق موجب افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین رتبه پایین نظام قضایی

در سال‌های مورد بررسی عاملی برای ناامنی حقوق مالکیت و کاهش سرمایه‌گذاری بوده است.

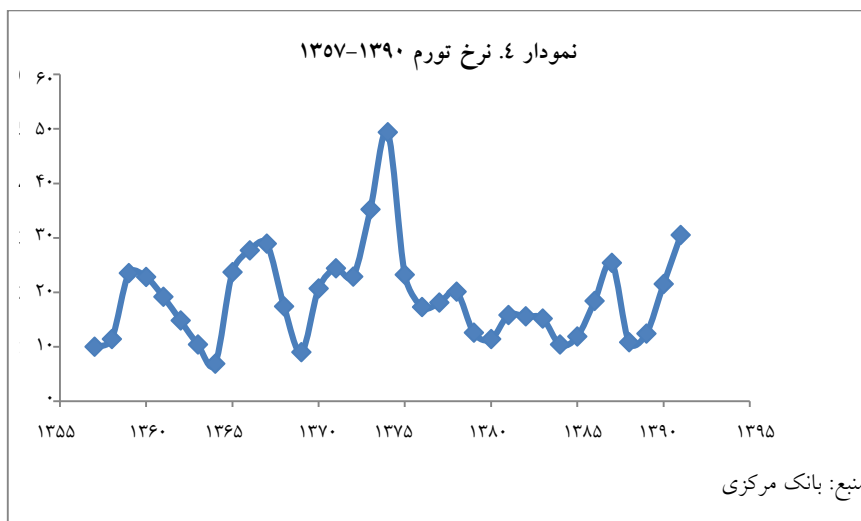
همین استدلال در مورد قراردادها نیز وجود دارد. یکی از دلایل پایین بودن میزان حمایت از قراردادها و بالابودن هزینه‌های مبادله و در نتیجه هزینه تولید در ایران، ساختار قضایی است که از قراردادها حمایت کافی به عمل نمی‌آورد و موجب کاهش انگیزه برای فعالیت‌های اقتصادی مولد و کارآفرینی می‌شود. استقلال دستگاه قضایی مسئله‌ای راهبردی است و نباید به تصمیم‌گیری‌های سیاسی گروه‌های ذی‌نفع وابسته باشد. در غیر این صورت، دستگاه قضایی نخواهد توانست از حقوق مالکیت دفاع درستی انجام دهد.

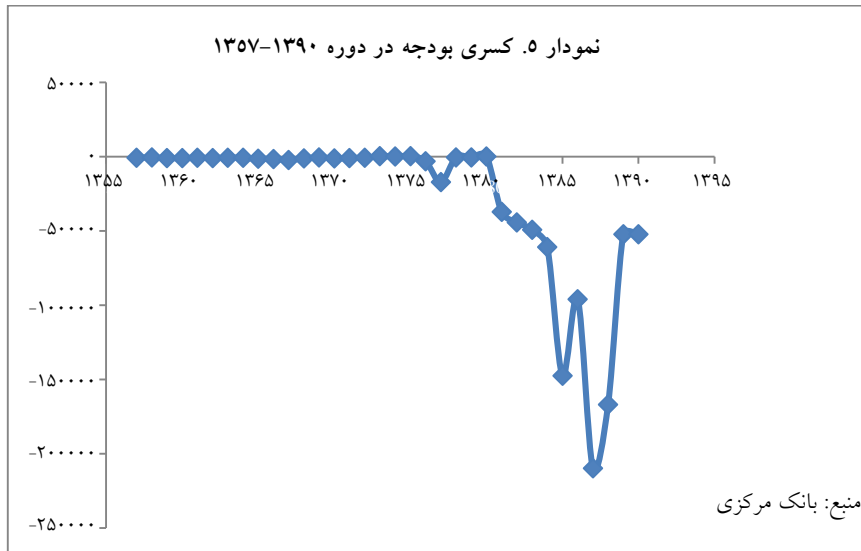
۲-۲. بررسی وضعیت متغیرهای اقتصادی

چشم‌انداز سرمایه‌گذاری: چشم‌انداز سرمایه‌گذاری تحت تأثیر ثبات و پیش‌بینی‌پذیری محیط اقتصاد کلان و امنیت مالکیت خصوصی است. امنیت چشم‌انداز سرمایه‌گذاری که ناشی از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی است، عاملی برای امنیت حقوق مالکیت محسوب می‌شود. هرچه محیط اقتصاد کلان بی‌ثبات‌تر و مالکان اموال و دارایی‌ها با ریسک و عدم اطمینان بیشتری مواجه باشند، امنیت حقوق مالکیت مورد آسیب جدی قرار خواهد گرفت.

پیش‌بینی‌پذیری و ثبات اقتصاد کلان: پس از تجربه تعدیل ساختاری در کشورهای در حال توسعه، نوعی اجماع به وجود آمد مبنی بر اینکه مهم‌ترین کانون‌های تعرض به حقوق مالکیت، اجرای سیاست‌های ثبات‌زداست. پس از انقلاب، سیاست‌های ثبات‌زدا یکی از عوامل ناامنی حقوق مالکیت بوده است. تکرار بی‌ثباتی اقتصادی، پیش‌بینی‌پذیری را کاهش داد. تورم با کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده و افزایش نااطمینانی و شوک‌های ارزی با ایجاد ریسک سرمایه‌گذاری مولد از جمله سیاست‌های ثبات‌زدا و مشوق رانت و فساد بوده است. کسری‌های بودجه مزمن به دلیل بی‌انضباطی مالی دولت و ترازپرداخت‌های منفی به علت واردات، به خصوص در دوران افزایش درآمدهای نفتی، از دیگر عوامل بی‌ثباتی اقتصادی پس از انقلاب بوده است.

بی‌ثباتی اقتصاد، ریسک سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد توسط بخش خصوصی را افزایش داده و دائماً به امنیت حقوق مالکیت این بخش‌ها تعرض نموده است. تورم دو رقمی در بسیاری از سال‌های پس از انقلاب، نااطمینانی نسبت به آینده را افزایش داده، تولید را کم‌صرفه کرده و فعالیت‌های رانت‌جویانه را باصرفه ساخته است. تورم مزمن، یکی از عوامل ایجاد رانت و رونق فعالیت‌های غیرمولد و منشأ نااطمینانی و انحراف قیمت‌های نسبی در این دوره بوده است (گزارش اتاق بازرگانی، ۱۳۸۷). تورم با افزایش هزینه سرمایه، امنیت سرمایه‌گذاری مولد را که یکی از شاخص‌های امنیت حقوق مالکیت است، به‌شدت کاهش داده است. هریتیج (۲۰۰۲) تورم بالا را نقض امنیت حقوق مالکیت شهروندان می‌داند. تورم از یک سو، با افزایش هزینه سرمایه‌گذاری مولد، تأثیر منفی بر انباشت سرمایه و امنیت حقوق مالکیت داشته است و از سوی دیگر، با کاهش قدرت خرید، یکی از اشکال مهم تعرض به حقوق مالکیت شهروندان بوده است.



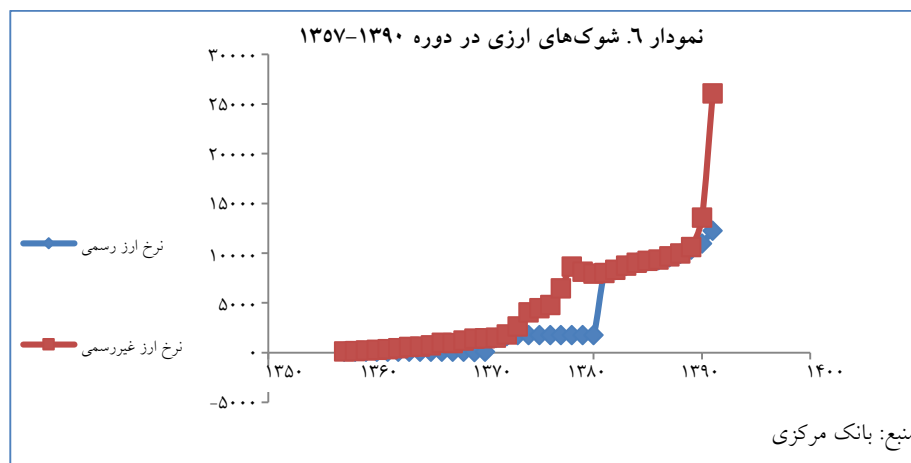


کسری بودجه فزاینده: در همه سال‌های مورد بررسی به جز ۵ سال، کسری بودجه وجود داشته و در دهه ۸۰ و ۹۰ همراه با افزایش قیمت نفت، سیر فزاینده داشته است. در دهه ۷۰ با وجود عدم کسری، در سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و با وجود داشتن مازاد بودجه، بحران بدهی‌های خارجی موجب بی‌ثباتی اقتصاد کلان شد. بدهی‌های خارجی موجب کاهش امنیت سرمایه‌گذاری در این دوره شد و سرمایه‌گذاران خارجی از ورود به ایران امتناع کردند.^۱ سیاست‌های مالی بی‌ثبات‌کننده و دسترسی به منابع سهل‌الوصول برای تأمین کسری بودجه (استقراض از بانک مرکزی) موجب بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ناامنی سرمایه‌گذاری‌های مولد و در نتیجه، ناامنی حقوق مالکیت در این دوره شده است.

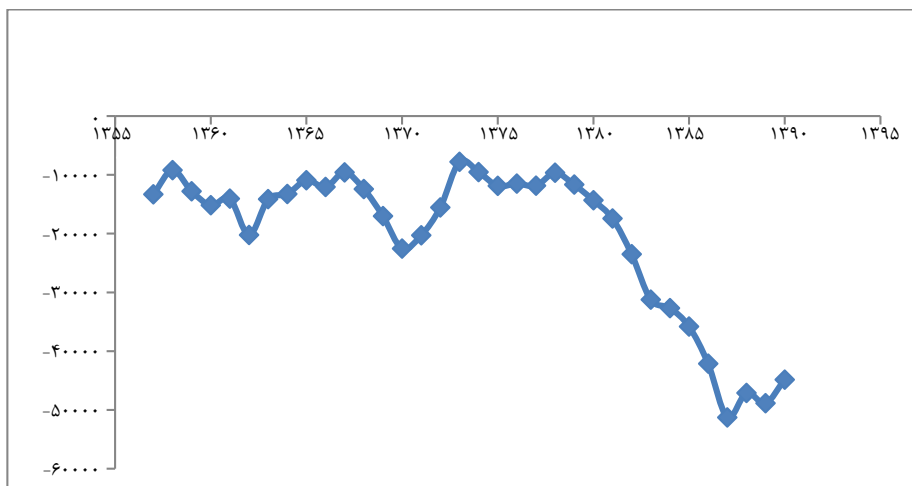
شوک‌های نرخ ارز: شوک‌های ارزی در این دوره موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی از آینده معاملات با خارج شده و ریسک فعالیت‌های تجاری و اقتصادی را افزایش داد. در نتیجه،

۱. مسعود نیلی از مسئولان این دوره در این باره می‌گوید: «از سال ۱۳۷۰ تقریباً نشانه‌های وخامت اوضاع مشخص شد. به لحاظ سیاسی، موقعیت ما در دنیا موقعیت خوبی نبود. در حالی که با ریسک بالا و به صورت اعتبارات کوتاه‌مدت به ما وام می‌دادند، اعتبارات بلندمدت پرداخت نمی‌کردند... و در نهایت در فاصله سال‌های ۷۲ تا ۷۴ با بحران بدهی خارجی مواجه شدیم» (احمدی امویی، ۱۳۸۲: ۳۰۷).

سرمایه‌ها از فعالیت‌های مولد خارج و وارد فعالیت‌های غیرمولد شده است. شوک‌های مثبت و متعدد نرخ ارز، ارزش پس‌اندازها و سرمایه‌های ریالی صاحبان سرمایه را کاهش داده و آینده سرمایه‌گذاری‌ها را نامطمئن می‌سازد. در دوره مورد بررسی ۵ شوک ارزی رخ داده است و یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان در دوره پس از انقلاب، همین شوک‌ها بوده‌اند. نخستین شوک ارزی در سال ۱۳۵۷ با ۴۰ درصد افزایش نرخ ارز، دومین شوک ارزی در سال ۱۳۶۷ با رشد ۲۶ درصدی نرخ ذاتی ارز، سومین شوک در سال ۱۳۷۴ با افزایش ۵۰ درصدی نرخ اسمی ارز، چهارمین شوک ارزی در سال ۱۳۸۰ با رشد ۳۵ درصد نرخ ارز اسمی و پنجمین شوک در سال ۱۳۹۰ با رشد ۵۰ درصدی نرخ ارز در بازار آزاد رخ داد. شوک‌های غیرمنتظره و متعدد نرخ ارز در این دوره، موجب نااطمینانی سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی شده است. چون سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از واردات حدود ۸۰ درصد است، شوک‌های نرخ ارز موجب افزایش پیش‌بینی‌نشده هزینه‌های تولید شده و با افزایش نااطمینانی به آینده، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد را ناامن و فعالیت‌های سفته‌بازی را رونق داده است. شوک‌های نرخ ارز با افزایش رانت‌جویی و سوداگری، یکی از دلایل بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ناامنی سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت در ایران بوده‌اند. تضعیف مداوم ارزش سرمایه‌های ریالی یکی از موارد تعرض به امنیت حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع بوده است.



کسری تراز پرداخت‌های بدون نفت: در تمام دوره مورد بررسی، تراز پرداخت‌های واقعی (بدون نفت) منفی بوده و واردات بیش از صادرات غیرنفتی بوده است. در اقتصاد سیاسی رانتی، منفی بودن ترازپرداخت‌های غیرنفتی و افزایش صعودی واردات؛ از یک سو، تهدید برای تولید و امنیت اقتصادی بوده و از سوی دیگر، موجب بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان می‌شود. واردات بی‌رویه یکی از دلایل ناامنی سرمایه‌گذاری و تعرض به حقوق مالکیت تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران فعالیت‌های مولد در دوره مورد بررسی است.

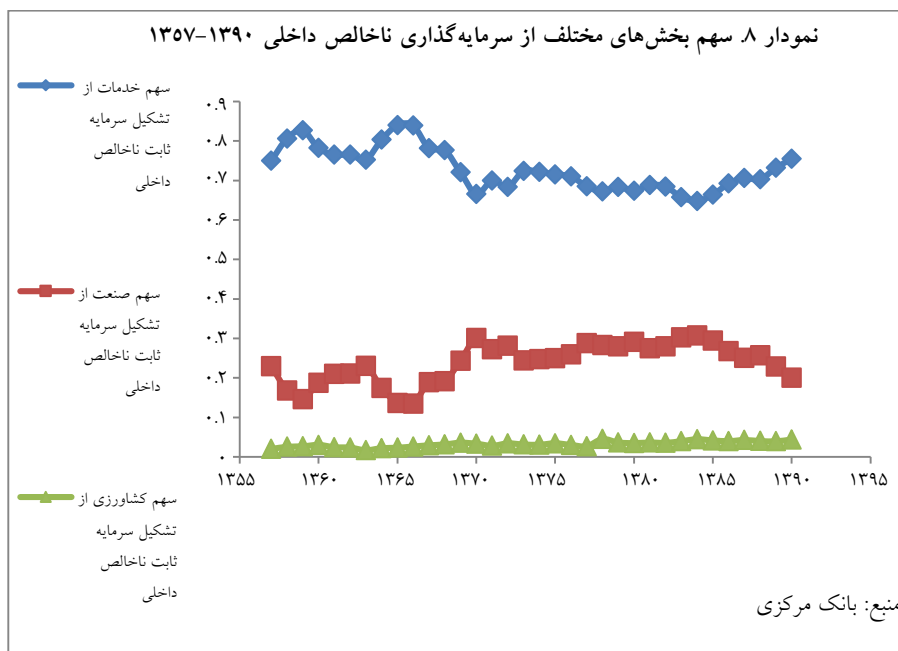


منبع: بانک مرکزی

در مجموع، تورم، کسری بودجه، ترازپرداخت‌ها و شوک‌های ارزی حاکی از وجود سیاست‌های ثبات‌زدای اقتصادی پس از انقلاب بوده‌اند. بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب تعرض به امنیت حقوق مالکیت شده و با ایجاد نااطمینانی نسبت به آینده، سرمایه‌گذاری‌های مولد را کاهش داده است. بی‌ثباتی اقتصاد کلان و شوک‌های وارد شده بر اقتصاد در این دوره با افزایش زمینه‌های رانت‌جویی، فساد و رونق سفته‌بازی و دلالتی یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی حقوق مالکیت بوده است. ناامنی حقوق مالکیت، گرایش‌های غیرتولیدی را بر اقتصاد مسلط کرده و بنگاه‌های تولیدی را به سمت افق کوتاه‌مدت، سرمایه‌گذاری اندک و در مقیاس کوچک سوق داده است. حاصل بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان و ناامنی حقوق مالکیت در ایران، سهم

بالای بخش‌های نامولد در تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری در ایران است. نمودارهای ۸ و ۹ این موضوع را تأیید می‌کنند.

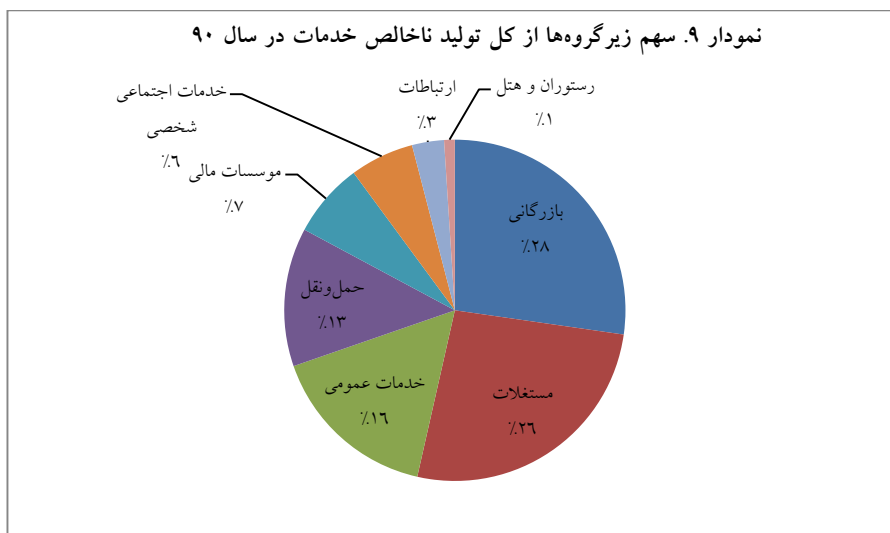
نمودار ۸ نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی (۱۳۵۷-۱۳۹۰) به تدریج سهم بخش کشاورزی و صنعت، که بخش‌های مولد اقتصاد را تشکیل می‌دهند، از سرمایه‌گذاری کاهش یافته و سهم فعالیت‌های غیرمولد که در بخش خدمات مستتر است، افزایش یافته است.



نمودار ۸ نشان می‌دهد سهم کشاورزی کمتر از ۱۰ درصد بوده، سهم بخش صنعت و معدن هیچ‌گاه از ۳۵ درصد سرمایه‌گذاری‌ها فراتر نرفته و سهم بخش خدمات همواره بیش از ۶۰ درصد بوده است. بالابودن سهم بخش خدمات در اقتصاد پیشرفته صنعتی به دلیل کشش‌های درآمدی بالای تقاضا برای خدمات امری عادی است. اما در شرایط عقب‌ماندگی اقتصادی، سهم وسیع بخش خدمات، نشانه عدم تعادل‌های وسیع و عدم تطابق عرضه و تقاضا است که موجب تورم و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود (عظیمی، ۱۳۹۰: ۹۶). رونق بخش خدمات در

قالب مشاغلی نظیر دلالی، واسطه‌گری‌های کلان و بورس‌بازی زمین به معنای افزایش خدمات غیرضروری و انگلی است که بدون کوچک‌ترین کمکی به تولید، ایجاد تقاضا می‌کند (دینی ترکمانی، ۱۳۷۱: ۲۶-۲۳). بر اساس نمودار ۹ سهم بالای بازرگانی و مستغلات و سهم پایین خدمات عمومی و علمی و فنی حاکی از عدم تناسب شدید زیربخش‌های خدمات در ایران به نفع بخش‌های نامولد است.

سهم بالای ۶۰ درصد بخش‌های بازرگانی، مستغلات و مالی از کل درآمد بخش خدمات، نشان‌دهنده نامولد بودن خدمات در ایران است. سهم اندک خدمات علمی و دانش‌بنیان نشان از از کج‌کارکردی بخش خدمات دارد.



منبع: بانک مرکزی

بندیک، از گروه مشاوران هاروارد، درباره بخش مسکن در ایران می‌گوید: اغلب گفته می‌شود «زمین» و «مسکن» اصلی‌ترین جذب‌کننده‌های سرمایه در ایران هستند. تا زمانی که فعالیت‌های سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری روی مستغلات، طلا و ارز سودهای بزرگ و کم‌ریسک ایجاد کند، تولید صنعتی محال است اتفاق بیفتد و کسی خود را درگیر تولید نمی‌کند (بندیک،

(۱۳۹۴). سرمایه‌گذاری در ساخت‌وسازهای تجملاتی و مستغلات، سرمایه‌گذاری نامولد است و موجب قفل شدن ثروت‌های زاینده در ساختمان شده است. سهم بالای نامولدها حاکی از ناامنی حقوق مالکیت در بخش‌های مولد به دلیل وجود نهادهای ضد تولید و سیاست‌های متعرض به حقوق مالکیت بخش‌های مولد است.

شاخص دسترسی به وام و اعتبارات: داده‌های این شاخص توسط مجمع جهانی اقتصاد^۱ از سال ۲۰۱۰ به بعد محاسبه شده است. در دوره مورد بررسی، در ۲ سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) و ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) شاخص مذکور به ترتیب رتبه‌های ۱۳۶ و ۱۳۷ را از میان ۱۴۸ کشور جهان برای ایران نشان می‌دهد؛ که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب این شاخص است. این شاخص گویای دسترسی محدود بخش خصوصی واقعی به وام و اعتبارات است، در حالی که عده قلیلی با رانت‌جویی به وام‌های کلان با بهره و گروگذاری اندک دسترسی دارند.^۲ این موضوع، دیون معوقه کلان را به یکی از مسائل مهم نظام بانکی تبدیل کرده است. بالابودن نرخ بهره در ایران نیز حاکی از بالابودن هزینه تأمین مالی و دسترسی به اعتبارات بانکی برای بخش‌های مولد است و مانع مهمی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به حساب می‌آید.

در مجموع، متغیرهای منتخب مؤثر بر امنیت حقوق مالکیت از جمله حاکمیت قانون، استقلال دستگاه قضایی، کنترل فساد، دسترسی به وام و اعتبارات و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده ناامنی حقوق مالکیت در دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۷ است. روند متغیرهای مورد بررسی، وجود نظم دسترسی محدود را تأیید می‌کند. نظم دسترسی محدود سیاسی به واسطه نامطلوب بودن متغیرهای متعددی از جمله حاکمیت قانون، کنترل فساد و دستگاه قضایی استمرار یافته است و با نظم دسترسی محدود اقتصادی در تعادل است. سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده اقتصاد و میزان اندک دسترسی بخش‌های مولد به وام و اعتبارات موجب دسترسی محدود اقتصادی و ناامنی حقوق مالکیت شده است. دسترسی محدود با کاهش

1. Global Competitiveness index.

۲. برای نمونه، می‌توان به سخنان سخنگوی دستگاه قضایی در این باره اشاره کرد، مبنی بر اینکه: «معوقات بانکی هر سال در حال افزایش است و برخی از دانه‌درشت‌ها بالغ بر ۶۰۰۰ و برخی ۲۰۰۰ میلیارد تومان معوقه بانکی داشته‌اند» (محسنی‌اژه‌ای، ۱۳۹۵).

فضای رقابت و آزادی ورود به اقتصاد و سیاست و افزایش رانت‌جویی، تعرض به امنیت حقوق مالکیت را تشدید کرده است.

نتیجه‌گیری

توسعه اقتصادی به‌عنوان هدف راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند امنیت است. یکی از بارزترین تجلی‌گاه‌های امنیت، وجود امنیت حقوق مالکیت است. امنیت حقوق مالکیت لازمه توسعه اقتصادی است و از دیدگاه نهادگرایی، مهم‌ترین مؤلفه توسعه محسوب می‌شود. در این پژوهش، وضعیت امنیت حقوق مالکیت در ایران در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷) و جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۹۰) با استفاده از نظریه توزان دوگانه بررسی شد. ارزیابی وضعیت حقوق مالکیت به‌لحاظ تاریخی حاکی از وجود نظام دسترسی محدود و ناامنی حقوق مالکیت در دوره پهلوی است که برخی دلایل آن عبارتند از وجود مصادره و ناامنی مالکیت خصوصی، ضعف شدید حاکمیت قانون به‌دلیل ناکارایی نهادهای حاکمیت قانون، وجود هزار فامیل، فساد وسیع و کنترل ضعیف آن، وابستگی دستگاه قضایی به نظام سیاسی، دسترسی محدود به وام و اعتبارات و ناامنی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد برای بخش خصوصی واقعی.

در دوره جمهوری اسلامی، شاخص‌های حاکمیت قانون و کنترل فساد از آمارهای «شاخص حکمرانی جهانی» بانک جهانی و استقلال دستگاه قضایی و اعتماد به دادگاه‌ها از داده‌های موسسه «فریزر» استخراج شدند. شاخص‌های اشاره‌شده نشان از دسترسی محدود سیاسی و اقتصادی و ناامنی حقوق مالکیت دارد. چشم‌انداز سرمایه‌گذاری به‌دلیل سیاست‌های ثبات‌زدای اقتصادی نامطمئن بوده و دسترسی به وام و اعتبارات برای بخش‌های مولد محدود بوده است. مجموعه متغیرهای منتخب مؤثر بر امنیت حقوق مالکیت، حاکی از وضعیت نامطلوب امنیت حقوق مالکیت به‌خصوص در بخش‌های مولد اقتصادی است. ضعف حاکمیت قانون و کنترل فساد به رانت‌جویی دامن‌زده و موجب نااطمینانی به آینده برای مالکان سرمایه و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی شده است.

شاخص نامطلوب استقلال دستگاه قضایی موجب کاهش تضمین قراردادها و نامناسب بودن محیط حقوقی و قضایی کسب‌وکار برای کارآفرینان و بخش خصوصی مولد شده است. در

مجموع، عوامل یادشده موجب دسترسی محدود سیاسی شده است. در حوزه اقتصادی، تورم‌های بالا و مزمن به نااطمینانی و کاهش قدرت خرید انجامیده و شوک‌های متعدد ارزی به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری مولد و ایجاد فضای رانتی و رونق سفته‌بازی منتهی شده است. کسری بودجه‌های مزمن به دلیل بی‌انطباطی مالی دولت‌ها و کسری ترازپرداخت‌ها به علت واردات بی‌رویه در طول این دوره قابل مشاهده است. مجموع عوامل یادشده به بی‌ثباتی اقتصادی، کاهش پیش‌بینی‌پذیری، ناامنی سرمایه‌گذاری‌های مولد و تعرض به حقوق مالکیت منجر شده است.

در مجموع، بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد در بخش بزرگی از تاریخ معاصر ایران (۱۳۰۴-۱۳۹۰) ناامنی حقوق مالکیت در ایران مانع مهمی بر سر راه توسعه بوده است. این دوره هم‌زمان با پیشرفت سریع کشورهای توسعه‌یافته و برآمدن قدرت‌های نوظهور از طریق افزایش سازوکارهای حافظ امنیت حقوق مالکیت بوده است. ناامنی حقوق مالکیت، نظام دسترسی محدود و توسعه‌نیافتگی را استمرار بخشیده و با اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تناقض است. ناامنی حقوق مالکیت موجب رونق رانت‌جویی، ایجاد فضای رقابت ناعادلانه برای مولدها و کاهش سهم بخش‌های مولد در سرمایه‌گذاری و اقتصاد شده و مانع مهمی برای سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، ابداع و رشد فناوری است. برای خروج از دور باطل توسعه‌نیافتگی باید متغیرهای امنیت حقوق مالکیت مورد توجه قرار گیرند.

توصیه‌های سیاستی نورث، والیس و وینگاست (۲۰۰۶) برای گذار به نظم دسترسی باز و رفع موانع یادشده عبارتند از افزایش حاکمیت قانون به‌ویژه برای فرادستان؛ کاهش رانت‌جویی و زمینه‌های بروز آن از طریق افزایش کسانی که به نظام‌های حقوقی فرادستان دسترسی دارند و ایجاد این انگیزه در فرادستان که این گسترش را به‌نفع خود ببینند؛ کنترل فساد و حمایت از دستگاه قضایی در این زمینه؛ حمایت از دستگاه قضایی مستقل از نظام و جریان‌های سیاسی؛ و خارج کردن روابط فرادستان از پیله روابط شخصی.

برای امنیت سرمایه‌گذاری به‌خصوص در بخش‌های مولد و کاهش تعرض به امنیت حقوق مالکیت، موارد زیر توصیه می‌شود: افزایش ثبات و پیش‌بینی‌پذیری محیط اقتصاد کلان از طریق کنترل تورم؛ انضباط مالی دولت؛ کاهش شوک‌های نرخ ارز؛ کاهش کسری‌های ترازپرداخت‌ها

از طریق کنترل واردات؛ حذف زمینه‌های اقتصاد رانتی؛ توزیع رانت‌های شومپیتری مشوق نوآوری و کارآفرینی مانند معافیت‌های مالیاتی و یارانه به تولیدکنندگان صنعتی و کارآفرینان و مالیات بر فعالیت‌های دلالی و سفته‌بازی؛ امنیت مالکیت خصوصی و حفاظت از آن در مقابل مصادره، غصب و تصرف به‌ویژه در حوزه صنعت و کشاورزی؛ و همچنین امنیت مالکیت عمومی و حفاظت از آن در مقابل زمین‌خواری و غصب.

منابع

- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۲)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛ در گفتگو با عزت‌الله سبحانی، محسن نوربخش، حسین عادل، مسعود روغنی زنجانی، مسعود نیلی، محمدعلی نجفی، تهران، انتشارات گام نو.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، تهران، انتشارات پیام.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نشر نی.
- بندیک، ریچارد الیوت (۱۳۹۴)، تأمین مالی صنعتی در ایران، ترجمه اصلا ن قودجانی، مرکز مطالعات و بررسی‌های اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی خراسان رضوی.
- بهداد، سهراب، نعمانی، فرهاد (۱۳۹۳)، طبقه و کار در ایران، ترجمه محمود متحد، انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی، سید محمدرضا و محمدی نجف آبادی، عبدالمجید (۱۳۹۲)، تأثیر حقوق مالکیت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه: زمینه‌ها و موانع، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸ (۲).
- دادگر، یداله و ندیری، محمد (۱۳۹۳)، تأثیر نهادهای حقوق مالکیت و نهادهای قراردادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۷.
- دسوتو، هرناندو (۱۳۸۹)، راه دیگر، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران، نشر نی.
- دسوتو، هرناندو (۱۳۹۳)، راز سرمایه (چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟) ترجمه فریدون تفضلی، تهران، نشر نی، چاپ پنجم.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۷۱)، تحولات ساختاری و اقتصاد ایران، نشریه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۶۵.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶)، بازار یا نابازار: بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات تهران.
- سعیدی، علی‌اصغر و شیرین‌کام، فریدون (۱۳۹۵)، موقعیت تجار و صاحبان صنایع در دوره پهلوی: زندگی و کارنامه محمد تقی ابروانی، تهران، انتشارات گام نو.
- سیف، احمد (۱۳۹۰)، استبداد و مسئله مالکیت در ایران، تهران، نشر رسانش.
- سیف، احمد (۱۳۹۲)، قرن گمشده: اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر نی.
- شاکری، عباس (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، تهران، انتشارات رافع، چاپ اول.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۴)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ هجدهم.

- صامتی، مجید، شهنازی، روح‌اله، دهقان شبانی، زهرا (۱۳۸۹)، امنیت حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۵، شماره ۴۴.
- صمدی، علی حسین، رنانی، محسن و دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۸۹)، مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱.
- عسگری، محمود (۱۳۸۳)، درآمدی بر اقتصاد سیاسی امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره اول.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۰)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، چاپ دوازدهم.
- عظیمی، میکائیل (۱۳۹۴)، روایت سازمانی که بود، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول.
- فوران، جان (۱۳۸۷)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر رسا، چاپ هشتم.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۴)، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ یازدهم.
- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، نفت، دولت و صنعتی‌شدن در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات گام نو.
- کدی، نیکی (۱۳۶۹)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران، نشر قلم.
- گزارش اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (۱۳۸۷)، تورم در ایران و پیامدهای آن بر تولید و اقتصاد، کمیسیون اقتصاد کلان.
- نویخت، محمدباقر، غلامی، نتاج، امیری، سعید، مجیدزاده، رضا (۱۳۹۰)، ارزیابی روند توسعه ایران در سده اخیر با تأکید بر نظریه آشوب و نظریه بازی، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹.
- نورث، داگلاس سی (۱۳۷۹)، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی، تهران، چاپ اول.
- نورث، داگلاس سی (۱۳۸۵)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، مترجم محمدرضا معینی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، چاپ دوم.
- نورث، داگلاس سی، والیس، جان جوزف، وب، استیون بی، وینگاست، باری آر (۱۳۹۵)، سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه در سایه خشونت، مترجمان محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول.
- یوسفی، محمدقلی (۱۳۹۴)، استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی، نشر نی، چاپ سوم.
- Beblawi, Hazem (1987), **The Rentier State in the Arab World**, in: Hazem Beblawi and Giocomo Luciani, *The Arab State*, New Yourk: Groom Helm.
- Beseley, T and M. Ghtak (2009), Property Rights and Economic Development, CEPR Discussion Papers.
- Chemin. M. (2009), the Impact of the Judiciary on Entrepreneurship: Evaluation of Pakistans "Access to Justice Programme, **Journal of Public Economics**, Volume 93, Issues 1-2.
- Commons R. (1931), Institutional Economics, **American Economic Review**, 21 (4).
- Commons R. (1934), **The Economics of Collective Action**, The university of Wisconsin press, Ltd.27-29 Whitman Street, London.
- Global Competitiveness Index, Historical Dataset (GCI), **World Economic Froum**.

- Gwarthney, J. Holcombe, R., and Laeson, R. (1998), The Scope of Government and Wealth of Nations, **Cato Journal**, Vol 18, No 2.
- Heitger, B. (2004), Property Rights and the Wealth of Nations: A Cross Country Study, **The Cato Journal**, vol. 23.
- North, D, Wallis, J., Webb, S., Weingast, B. (2006), **A Conceptual Framework for Interpreting**, Recorded Human History, NBER, Working Paper Series, No.12795.
- North, D, Wallis, J., Webb, S., Weingast, B. (2009), **Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History**, New York: Cambridge University Press.
- Wedel. Janine (1998), Aid to Russia, **Foreign Policy in Focus**, http://fpif.org/aid_to_russia/.
- Weingast, B and Marshall, William (1989), The Industrial Organization of Congress, **Journal of Political Economy**, Vol. 96, No. 1.
- Williamson, Oliver (2000), The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead, **Journal of Economic Literature**, 38 (3).